

راهبردهای سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی در جهان اسلام

محمد رجبی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۷

چکیده:

از زمان استقرار رژیم صهیونیستی در اراضی فلسطین اشغالی، مناسبات پُرفرازونشیبی میان کشورهای جهان اسلام -به‌ویژه کشورهای حوزه‌ی شرقی آن، که در منطقه‌ی جغرافیایی غرب آسیا و شمال آفریقا قرار می‌گیرند- با این رژیم شکل گرفت. این مقاله درصدد است به بررسی راهبردهای سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی در قبال این کشورها بپردازد. براین‌اساس، سئوالی را که درصدد پاسخ به آن هستیم عبارت است از اینکه «راهبردهای سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی در قبال کشورهای جهان اسلام در منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا کدامند؟». برای پاسخ به این سئوال از روش کیفی با رویکرد تحلیلی بهره جستیم و داده‌های مورد نیاز را به صورت فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی گردآوری نموده‌ایم. نتیجه آنکه، همواره صهیونیست‌ها دو راهبرد را در مواجهه با کشورهای جهان اسلام در منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا دنبال نموده‌اند: راهبرد نخست، عادی‌سازی روابط با برخی از این کشورهاست که با دکترین اتحاد پیرامونی و ارتباط با ایران عصر پهلوی، ترکیه، کُردها و ... آغاز می‌شود و با طرح معاملاتی قرن و انعقاد توافقنامه ابراهیم میان این رژیم با کشورهای امارات، بحرین، مراکش و سودان با میانجی‌گری آمریکا ادامه می‌یابد؛ و راهبرد دیگر، تهاجم همه‌جانبه به جریان مقاومت است که نماد آن را می‌توان در جنگ‌های سی‌وسه‌روزه‌ی لبنان، بیست‌ودو روزه و هشت‌روزه‌ی غزه، تلاش برای سرنگون نمودن دولت قانونی سوریه، ترور فرماندهان مقاومت و انهدام مواضع ایشان در سوریه و بالاخره، تلاش برای تضعیف و سقوط نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق اتخاذ تاکتیک‌های گوناگون -که آخرین آن، مرگ با هزاران جراحت است- مشاهده نمود.

واژگان اصلی: رژیم صهیونیستی، جهان اسلام، کشورهای حوزه‌ی شرقی، غرب آسیا، شمال آفریقا.

مقدمه

جهان اسلام به سرزمین‌هایی اطلاق می‌شود که عموم ساکنان آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند و از لحاظ جغرافیایی، بیشتر این کشورها در دو قاره‌ی آسیا و آفریقا قرار گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین زیرمجموعه‌های امنیتی جهان اسلام، منطقه‌ی شرقی آن است که با استقرار رژیم صهیونیستی در اراضی فلسطین اشغالی، دستخوش تحولات گسترده‌ای شده است. این منطقه که از آن با عنوان غرب آسیا و شمال آفریقا یاد می‌شود، موضوع پژوهش حاضر قرار گرفته است تا ضمن شناسایی راهبردهای سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی در قبال آن، به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که «راهبردهای سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی در قبال کشورهای جهان اسلام در منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا کدامند؟». این مقاله، به روش کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و می‌کوشد ضمن مروری کوتاه بر تاریخچه‌ی مناسبات پُر فرازونشیب این کشورها با رژیم صهیونیستی، راهبردهای سیاسی و امنیتی این رژیم را در منطقه شناسایی و معرفی نماید.

شایان ذکر است که جست‌وجوی نگارنده برای پیدا کردن مقالاتی که عنوان خویش را به بررسی راهبردهای سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی در منازعات جهان اسلام اختصاص داده باشند، حکایت از آن دارد که اگرچه مقالاتی، بخشی از محتوای خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند - که در متن مقاله‌ی حاضر به برخی از مهم‌ترین نتایج این مقالات اشاره شده است- اما هیچ‌یک از آنها، عنوان خود را به‌طور مستقل بدین موضوع اختصاص نداده و بازه‌ی زمانی آنها نیز به‌روز نمی‌باشد. البته، مقاله‌ی دیگری از نویسنده این سطور وجود دارد که با عنوان «راهبردهای نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی در محور مقاومت (مورد مطالعه: سوریه)» به رشته تحریر درآمده و در فصلنامه بیداری اسلامی به تاریخ پاییز ۱۴۰۰ به چاپ رسیده است. در آن مقاله، ضمن محدود بودن موضوع بررسی به بحران سوریه چنین نتیجه‌گیری شد که رژیم صهیونیستی در آغاز بحران سوریه دچار سرگشتگی بوده و راهبردی واحد را اتخاذ نموده است ولیکن از سال ۲۰۱۳ میلادی کوشش نمود با ترور فرماندهان مقاومت و بمباران هوایی مواضع ایشان، از گروه‌های همسو حمایت نموده و ضمن اقناع آمریکا برای حضور جدی‌تر در سوریه و مذاکره با روسیه، مانع از حضور طولانی‌مدت ایران در سوریه شود. این در حالی است که از سال ۲۰۱۵ میلادی، راهبرد گیدئون در دستور مقامات نظامی و امنیتی رژیم قرار می‌گیرد که بر آمادگی نیروهای ارتش برای حضور در جنگ‌های نامتقارن، افزایش اشرافیت اطلاعاتی و غیره استوار است. در نهایت، راهبرد مومتوم از سال ۲۰۲۰ میلادی به

مورد اجراء گذاشته می‌شود که ج.ا.ایران را به‌عنوان مهم‌ترین تهدید پیش‌روی صهیونیست‌ها در سوریه شناسایی نموده، از این‌رو بر بهبود توان واحد اطلاعات نظامی و تجهیز نیروهای نظامی با تسلیحات بیشتر و کیفیت بهتر، تغییر در ساختار ارتش و تشکیل «فرماندهی امور ایران» تأکید می‌شود (رجبی، ۱۴۰۰ الف: ۷۵).

۱) ادبیات تحقیق

۱-۱) جهان اسلام: این مفهوم مرکب از دو واژه می‌باشد: الف) جهان که در قرن اخیر به مجموعه‌ای از کشورها با ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص که مشخصه‌ی اصلی و مشترک اعضای یک کلیت است، اطلاق می‌شود (مومنی، جلد ۱۱، ۱۳۸۶: ۴۵۱)؛ ب) اسلام در لغت به معنای «گردن نهادن» و «فرمان بردن» است (معین، ۱۳۸۶: جلد یک ۱۵۳) و در عرف آیات قرآن نیز به معنای «تسلیم بودن در برابر خدا و اوامر اوست؛ اوامری که از سوی پیام‌آوران خدا به مردم ابلاغ شده است» (نجفی و محمدی، ۱۳۹۱: ۹۷). در معنای خاص نیز اشاره به دینی دارد که از سوی خداوند متعال، توسط پیامبر خاتم (ص) به مردم ارائه شده است. براین اساس، مقصود از جهان اسلام، مجموعه کشورهایی است که اکثریت آن را مسلمانان - پیروان رسول گرامی اسلام (ص) - تشکیل می‌دهند.

این مفهوم در طول تاریخ با تعابیر گوناگونی به کار رفته است که از جمله‌ی آنها مملکت اسلام، بلاد اسلام، بلد الاسلام، قلمرو امیرالمومنین، ناحیت مسلمانی یا حدود مسلمانی، امپراتوری اسلامی و نظایر آن می‌باشد (مومنی، جلد ۱۱، ۱۳۸۶: ۴۵۱).

جهان اسلام را می‌توان از مناظر گوناگونی تقسیم‌بندی نمود؛ «غلامرضا گلی‌زواره» در کتابی با عنوان «سرزمین اسلام: شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان‌نشین جهان» براساس بحران‌ها و مشکلات، جهان اسلام را شامل سه منطقه‌ی غربی، شرقی و مرکزی دانسته است. به اعتقاد وی، کشورهای مسلمان‌نشین شمال آفریقا، صحرای آفریقا و مغرب آن در منطقه‌ی غربی، کشورهای جنوب و جنوب‌شرقی آسیا و آسیای مرکزی در منطقه‌ی شرقی و کشورهای غرب آسیا در منطقه‌ی مرکزی قرار دارند (گلی‌زواره، ۱۳۹۰: ۶۲-۶۳). از دیدگاهی دیگر، جهان اسلام، با توجه به پیشینه‌ی تاریخی به چندین واحد فرهنگی و تمدنی تقسیم می‌شود که به شرح ذیل می‌باشند:

۱) حوزه‌ی شرقی: این حوزه در میان جغرافیدانان - به‌ویژه جغرافیدانان غربی - به‌عنوان مهم‌ترین بخش حوزه‌ی فرهنگی جهان اسلام شناخته می‌شود و خود شامل چهار منطقه‌ی فرهنگی

کوچک‌تر است: الف) منطقه‌ی عربی؛ ب) منطقه‌ی ایرانی؛ ج) منطقه‌ی آفریقای سیاه؛ و، د) منطقه‌ی ترک‌زبان.

۲) حوزه‌ی شبه قاره‌ی هند: این حوزه از تنوع بالای قومی برخوردار است و گروه‌های صوفیه، عامل اصلی انتشار اسلام در این منطقه است. این حوزه شامل پاکستان، بنگلادش، مسلمانان هند، نپال و سریلانکا است.

۳) حوزه‌ی جهان مالایی: در جنوب شرقی آسیا قرار دارد و شامل کشورهای اندونزی، مالزی، برونی و اقلیت‌های تایلند، فیلیپین، کامبوج و ویتنام است.

۴) حوزه‌ی چین: این حوزه از دیگر حوزه‌های فرهنگی فوق‌الذکر کوچک‌تر است و به‌رغم در دست نبودن جمعیت دقیق مسلمانان، گمان می‌رود که شمار زیادی از آنان در این حوزه حضور دارند.

۵) حوزه‌ی مسلمانان اروپا: این حوزه شامل سرزمین‌های آلبانی، کوزوو، مقدونیه و بوسنی است و به لحاظ قومی، مردمی از نژاد اروپایی هستند.

۶) اجتماعات جدید مسلمانان: شامل مسلمانان کشورهای اروپایی و آمریکایی است که از مهاجران مسلمان یا گروندگان بومی به اسلام تشکیل می‌شود (مومنی، جلد ۱۱، ۱۳۸۶: ۴۵۵ و ۴۵۶).

۲-۱) امنیت و فرهنگ راهبردی: امنیت از جمله مفاهیم پیچیده‌ای است که به رغم قدمت طولانی، معنای آن با ابهام همراه است و تاکنون، اجماعی پیرامون تعریف آن حاصل نگردیده است. «باری بوزان» -یکی از نظریه‌پردازان برجسته‌ی مکتب کپنهاک- با تأکید بر مفهوم تهدید وجودی بر این نظر است که مراد از امنیت را می‌توان با رهایی از تهدید تعریف کرد (دوست‌محمدی و رجبی، ۱۳۹۷: ۹۴۷-۹۴۸). توجه به هویت و ارزش‌های وجودی هر کشوری می‌تواند عامل مهمی برای تبیین مفهوم امنیت ملی آن باشد و این همان چیزی است که از آن به فرهنگ راهبردی یاد می‌شود. چنانچه راهبرد را هنر و علم بکار بردن قدرت ملی برای دستیابی به مقاصد ملی در تمام شرایط -اعم از صلح و جنگ- بدانیم، مقاصد ملی براساس ارزش‌ها و فرهنگ راهبردی تبیین می‌شوند. از همین روست که می‌توان تلقی تهدید در هر کشوری را فرایندی در بستر فرهنگ استراتژیک آن به شمار آورد که دورنمای جنگ یا صلح را برای آن ترسیم می‌سازد (گودرزی، ۱۳۹۰: ۷۵-۷۶).

۳-۱) رژیم صهیونیستی: صهیونیسم از ریشه‌ی لغوی «صهیون» گرفته شده است که نام تپه‌ای در اورشلیم است و مقصود از آن، کل سرزمین مقدس است (کفاش و شفیعی سروستانی، ۱۳۹۳: ۱۷۶).

بنیانگذار جنبش صهیونیسم سیاسی، «تئودور هرتزل» بود. هرتزل، با توجه به طرز زندگی یهودیان در اروپا و مشکلاتی که برای ایشان وجود داشت، این جنبش را تأسیس نموده و خواهان مهاجرت دادن یهودیان به سرزمین فلسطین و تشکیل دولت یهود بود (دوست محمدی، ۱۳۸۷: ۲۲-۱۷). بعد از جنگ جهانی دوم، این جنبش توانست با مستمسک قرار دادن برخی از افسانه‌ها و دروغ‌های تاریخی (نظیر هولوکاست، آشویتس و نظایر آن) مشروعیت لازم را برای استقرار دولت جعلی رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های فلسطین اشغالی به سال ۱۹۴۸ میلادی فراهم آورد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: فورسون، ۱۳۸۱؛ گاردی، ۱۳۸۵). مولفه‌های اصلی فرهنگ راهبردی این رژیم - که مبنای شکل‌دهنده به فنون نظامی و امنیتی آن می‌باشد - را می‌توان «در اعتقاد به برگزیدگی قوم یهود، ایده نامنی دائمی به عنوان چالش همیشگی یهودیان، اجتناب‌ناپذیری جنگ، توسعه‌طلبی ارضی، اتکاء به خود، حمله پیشگیرانه، یافتن هم‌بیمانان بین‌المللی و ساخت جامعه میلیتاریستی با تکیه بر نیروهای ذخیره ارتش برشمرد» (گودرزی، ۱۳۹۰: ۷۴-۷۶).

شایان ذکر است که در این مقاله، بیشتر به راهبردهای سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی در جهان اسلام با تأکید بر کشورهای حوزه‌ی شرقی که عموماً در منطقه‌ی غرب آسیا قرار گرفته‌اند، توجه شده است.

۲) تاریخچه مناسبات رژیم صهیونیستی و کشورهای منطقه‌ی شرقی جهان اسلام

پیش از تشکیل و استقرار رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، مهاجرت یهودیان به این سرزمین همواره از سوی عالمان کشورهای اسلامی رصد و با واکنش‌هایی در داخل و خارج از این سرزمین‌ها مواجه بود که از آن جمله می‌توان به اعلامیه‌ی «آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی» - رهبر نهضت ملی شدن صنعت نفت - به تاریخ ۲۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۶ ه.ش اشاره نمود؛ وی در این اعلامیه با طرح این پرسش که «روشن نیست که وطن بودن فلسطین برای مهاجرین یهودی آلمانی، روسی و آمریکایی مطابق با کدام منطق و قانون است؟»، تشکیل دولت صهیونیستی در آینده را کانون مفاسد بزرگ برای مسلمانان برشمرد و از همین رو بود که جلوگیری از این ظلم فاحش و رفع مزاحمت از مسلمانان فلسطین را - به هر طریقی - وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانان عالم دانست (مدنی، ۱۳۸۵: ۹۳).

به هر حال، از ۱۴ می سال ۱۹۴۸ میلادی، یک روز پیش از خروج کمیسیون عالی انگلیس از سرزمین‌های اشغالی فلسطین که آژانس یهود، استقرار رژیم صهیونیستی را در این کشور اعلام

کرد (Hankivsky & Jordan-Zachery, 2019: 553)، این رژیم مناسبات بیش‌ازپیش پُر فرازونشیبی را با کشورهای اسلامی پیدا نمود. این مناسبات در آغاز، هویتی عربی- رژیم صهیونیستی داشت.

بدین ترتیب و به فاصله‌ی گذشت یک روز از اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی، کشورهای عربی -شامل: سوریه، مصر، لبنان و اردن- و خیل کثیری از داوطلبان دیگر کشورهای عربی برای نجات سرزمین فلسطین از دست اشغالگران صهیونیست، جنگی را آغاز نمودند که نتیجه‌ی آن، شکست این کشورها و اشغال ۷۸ درصد از اراضی سرزمین اسلامی فلسطین بود.

مجدداً و به سال ۱۹۶۷ میلادی، کشورهای عربی جنگ دیگری را آغاز نمودند که بیش از شش روز به درازا نینجامید و فرجام آن نیز، با توجه به ضعف و تشتت در میان کشورهای عرب (علیخانی، ۱۳۷۹: ۵)، یورش صهیونیست‌ها به خاک این کشورها و اشغال بخش‌هایی از سرزمین‌های آنها نظیر بلندی‌های استراتژیک جولان سوریه، وادی عربیه اردن و صحرای سینای مصر بود؛ به‌گونه‌ای که اراضی تحت اشغال این رژیم بیش از سه برابر افزایش یافت و ساکنان عرب این مناطق ناچار به ترک خانه‌های خویش شدند (Shoup, 2019: 57). جنگی که اولویت کشورهای درگیر با رژیم صهیونیستی را از حالت راهبردی دفاع از فلسطین- به حالت تاکتیکی -بازپس‌گیری مناطق اشغالی- تنزل داد (مسعودی‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۴-۳۰).

با این شکست، کشورهای عربی به دنبال جبران برآمده و در سال ۱۹۷۳ میلادی جنگی دیگر را علیه صهیونیست‌ها آغاز نمودند که اگرچه در روزهای اول با موفقیت‌هایی همراه بود ولی آزادسازی همه‌ی سرزمین‌های اشغالی را در پی نداشته (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۲۱) و در نهایت، با پیوستن «انور سادات» -رییس‌جمهور وقت مصر- به مذاکرات صلح که با میانجی‌گری «جیمی کارتر» -رییس‌جمهور وقت آمریکا- صورت گرفت، راهکار آزادی فلسطین از طریق جنگ توسط ارتش‌های عربی به پایان راه خود رسید (Sidlow & Henschen, 2018: 367).

با جدا شدن مصر به سبب قرارداد کمپ دیوید از جبهه‌ی کشورهای عربی، اردن نیز با قرارداد وادی عربیه از این هم‌پیمانی خارج شد و سوریه نیز که خود را در این عرصه تنها می‌دید (عباسی و سیفیایی، ۱۳۹۱: ۴۶) به اجلاس مادرید پیوست که اساس آن، بر مبنای شعار «زمین در برابر صلح» قرار داشت (مسعودی‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۵-۳۱).

بدین ترتیب و درحالی‌که آرمان آزادی فلسطین در حال خارج شدن از اولویت نخست مسائل

جهان اسلام بود، انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران به تاریخ ۱۳۵۷ه.ش/۱۹۷۹ میلادی به وقوع پیوست. این انقلاب از آغاز در پیوند با مسئله فلسطین قرار داشت؛ نقد رژیم خودکامه و دست‌نشانده‌ی پهلوی توسط بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی - امام خمینی (رحمه الله علیه) - در نهی اهل منبر از مخالفت با رژیم صهیونیستی در خردادماه ۱۳۴۳ه.ش (امام خمینی (رحمه الله علیه)، صحیفه امام جلد یکم: ۲۴۶)، واجب دانستن اختصاص بخشی از وجوهات شرعی به مجاهدان فلسطینی در مهرماه ۱۳۴۷ه.ش (امام خمینی (رحمه الله علیه)، صحیفه‌ی امام جلد دوم: ۱۹۹)، سخنرانی علامه‌ی شهید مطهری (ره) در اسفندماه ۱۳۴۸ه.ش برای ارائه‌ی کمک‌های مالی به فلسطینی‌ها و نام بردن از «موشه دایان» - نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی - با عنوان شمر زمانه (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۶۸-۱۷۱) دلایلی بر این مدعا می‌باشد. پس از انقلاب اسلامی نیز، ایران همچنان به این حمایت‌ها ادامه داد که از جمله می‌توان به واگذاری ساختمان سفارت رژیم صهیونیستی به مبارزان فلسطینی، اعلام روز قدس در واپسین جمعه‌ی ماه مبارک رمضان (امام خمینی (رحمه الله علیه)، صحیفه امام جلد نهم: ۲۶۷) و نظایر آن اشاره نمود. اینچنین بود که هویت تقابلی جهان اسلام با رژیم صهیونیستی از حالتی عربی - رژیم صهیونیستی به اسلامی صهیونیستی تبدیل شد. علاوه بر آن، تقابل با رژیم صهیونیستی از انحصار دولت‌ها خارج گشته و انقلاب اسلامی، هویتی مردمی را در تقابل با رژیم صهیونیستی مورد توجه قرار داد و کوشید تا مردم را در کشورهای مختلف وارد عرصه‌ی نبرد با این رژیم اشغالگر نماید.

در این رویکرد جدید، خاستگاه و علت پیدایش تفکر صهیونیستی و استقرار آن در سرزمین‌های اسلامی فلسطین، ریشه در تباری و همفکری دولت‌های استعماری غرب و شرق داشت که برای سرکوب و استعمار ملل اسلامی داشت (امام خمینی (رحمه الله علیه) صحیفه‌ی امام جلد هفتم: ۱۸۸-۱۸۵) و از همین رو، آزادی کامل سرزمین فلسطین و محو رژیم اشغالگر و غاصب صهیونیستی به‌عنوان راهبرد عینی انقلاب اسلامی برای حل مسئله‌ی فلسطین در معرض انتخاب کشورها و ملت‌های اسلامی گذاشته شد که دو رویه دارد: رویه‌ی دموکراتیک که برگزاری همه‌پرسی ملی در سرزمین فلسطین را دنبال می‌نماید؛ و رویه‌ی مقاومت که با توجه به ناکارآمدی گفتگوهای سیاسی در چند دهه‌ی گذشته، بر ایستادگی و مقاومت شجاعانه تأکید دارد (رجبی، ۱۴۰۰: ب: ۲۸-۳۳).

در نتیجه‌ی این تحول، در درون سرزمین فلسطین علاوه بر گروه‌های جهادی نظیر حماس و جهاد اسلامی، بارقه‌های امیدی برای مردم پدیدار گشت که شکل‌گیری انتفاضه‌های مردمی در این کشور موسوم به «انتفاضه سنگ» را می‌توان به‌عنوان شاهدی بر آن ذکر کرد. در عرصه‌ی منطقه‌ای نیز

گروه‌های مقاومت با الهام از انقلاب اسلامی شکل گرفتند که از جمله آنها می‌توان به حزب‌الله لبنان، حوثی‌های یمن و نظایر آن اشاره کرد که با پیوستن برخی دولت‌های منطقه نظیر سوریه به آن، در مجموع «محور مقاومت» شکل گرفت. در عرصه‌ی بین‌المللی نیز مردم با تأسی از دعوت بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی - امام خمینی (رحمه الله علیه) - با حضور در مراسم‌هایی نظیر روز قدس، مراتب براءت خود را از صهیونیست‌ها به نمایش گذاشتند. اقداماتی که جمهوری اسلامی را برای صهیونیست‌ها به دشمن شماره یک آنها تبدیل کرد.

در این میان، جبهه‌ی استکبار و در رأس آن، ایالات متحده آمریکا نیز ساکت ننشسته، تمامی تلاش خویش را برای حل مسئله‌ی فلسطین از طریق پیگیری راهبرد دو دولت و وادار نمودن برخی دولت‌های اسلامی به شناسایی رژیم صهیونیستی دنبال نمود که نمونه‌ی اخیر این تلاش‌ها را می‌توان در طرح «معامله‌ی قرن» که توسط «دونالد ترامپ» - رییس‌جمهور سابق ایالات متحده آمریکا - اعلام شد، مشاهده کرد.

۳) راهبردهای رژیم صهیونیستی در جهان اسلام

رژیم صهیونیستی، به طور کلی دو راهبرد سیاسی و امنیتی کلان را در منطقه‌ی شرقی جهان اسلام دنبال می‌نماید که در ادامه توضیحاتی پیرامون این راهبردها ارائه می‌شود.

۳-۱) راهبرد عادی‌سازی روابط

ماهیت اشغال‌گرایانه و نژادپرست رژیم صهیونیستی و منازعات سال‌های نخست آن با محیط پیرامونی خود - که از آن با عنوان منازعه اعراب و رژیم صهیونیستی یاد می‌شد - سبب گردید تا این رژیم علی‌رغم آنکه همواره از چتر حمایتی آمریکا برخوردار بود، به دلیل عدم برخورداری از عمق استراتژیک، بخشی از امنیت خود را از طریق افزایش حلقه‌ی دوستان و متحدان در منطقه افزایش دهد. ذیل این دغدغه، «بن‌گوریون» - اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی - با درک موقعیت شکننده این رژیم در محیط غرب آسیا، «دکترین اتحاد پیرامونی» را مطرح سازد. بر مبنای این دکترین، رژیم صهیونیستی درصدد برآمد تا از طریق ایجاد ارتباط با کشورهای غیرعربی (نظیر: ایران و ترکیه)، کشورهای مسیحی (نظیر: لبنان و ایتالیایی) و نیز اقلیت‌های قومی غیرعرب و غیرمسلمان (نظیر: کردها و ارمنه) درصدد موازنه‌ی قوا با اعراب برآید (موسوی‌زاده و جاودانی مقدم، ۱۳۸۸: ۲۰۴). در واقع هدف از اتخاذ این استراتژی، خشی کردن مخالفت‌های گسترده کشورهای عربی با موجودیت رژیم صهیونیستی و کنترل منطقه‌ای ایشان از طریق ارتباط با همسایگان این کشورها بود.

ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین هم‌بیمانان رژیم صهیونیستی بود (متقی، ۱۳۷۶: ۴-۳). پهلوی دوم بر مبنای دکترین ناسیونالیسم مثبت که بر نفی گوشه‌گیری و پیگیری منافع ملی ایران بدون توجه به سیاست‌های کشورهای دیگر تأکید داشت با رژیم صهیونیستی که با اتکاء بر دکترین اتحاد پیرامونی بن‌گورین در صدد ارتباط با کشورهای بالقوه یا بالفعل دوست این رژیم بود، تعاملات گسترده‌ای پیدا کرد (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۲: ۸۷). همین امر سبب شد تا ساعد نخست‌وزیر پهلوی - در ۲۳ اسفندماه ۱۳۲۸ شمسی رژیم صهیونیستی را در ازای دریافت رشوهای قابل توجه به شکل «دوفاکتو» به رسمیت شناسد (شوکران، ۱۳۶۹، ۹۳). اگرچه که در دوره مصدق و تحت تأثیر مواضع سیاسی آیت‌الله کاشانی و سیاست موازنه‌ی منفی مجبور به تعطیلی کنسولگری خود در بیت‌المقدس شد، ولیکن پس از آن هیچ‌گاه در ماهیت همکاری میان آنها خللی وارد نشد (رحمانی، ۱۳۸۱، ۶۸-۴۳). از سوی دیگر، رژیم پهلوی در مقابل آمریکا تسلیم بود (آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴) و از این منظر، سیاست‌های آمریکا بر ایران تأثیر داشت. براین اساس، از آنجا که سیاست‌های آمریکا نیز دست صهیونیست‌ها - نه لزوماً دولت صهیونیست در فلسطین اشغالی، بلکه جامعه‌ی صهیونیستی - بوده و هست (آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۸/۲/۲۴)، محمدرضا پهلوی هر کاری را که در قضیه فلسطین می‌گفتند، عمل می‌کرد (آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۷/۳/۲). تا جایکه در آن روزها کسی جرأت نداشت که به مناسبت مسائل دینی، کمترین اشاره‌ای به غضب سرزمین فلسطین به وسیله‌ی صهیونیست‌ها کند (آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۷۸/۱/۱). وعاظ و خطبایی نیز که به قضیه فلسطین توجه داشتند، ممنوع المنبر شده و از حقوق خویش محروم می‌شدند؛ دستگیری و تبعید امام خمینی (رحمه الله علیه) پس از اعتراض به نهی اهل منبر از مخالفت با شاه، رژیم صهیونیستی و خطرهایی که دین را تهدید می‌کند در خردادماه ۱۳۴۳ شمسی (امام خمینی (رحمه الله علیه)، صحیفه امام، ۱/۲۴۶)، ممنوع المنبر کردن شهید مطهری در سال ۱۳۵۴ ه.ش و اخراج ایشان از دانشکده الهیات دانشگاه تهران (کردی، ۱۳۷۶، ۲۴۳) و ممنوع المنبر کردن آیت‌الله طالقانی (اسناد مربوط به وعاظ و خطبای ممنوع المنبر از سال ۱۳۴۶ تا بهمن ۱۳۵۷، زمستان ۱۳۸۴: ۳۰۹) نمونه‌هایی از خفقان سیاسی آن دوران است.

علاوه بر روابط سیاسی، همکاری‌های اقتصادی نیز میان رژیم صهیونیستی و رژیم پهلوی برقرار بود. اصلاحات ارضی یکی از بسترهای اصلی این همکاری بود. در زمان رژیم طاغوت، آمریکایی‌ها

اصلاحات ارضی را راه انداختند تا اوضاع را تحت مدیریت خودشان داشته باشند (آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۰/۱۰/۷). در واقع، اصلاحات ارضی اگرچه در ظاهر به دنبال بازگرداندن حقوق از دست رفته‌ی دهقانان، کارگران و دیگر طبقات ستمدیده اجتماع و مدرنیزه کردن کشاورزی در ایران بود؛ اما در نهایت، از بین بردن استقلال اقتصادی و خودکفایی ایران را نشانه گرفته بود. از این رو، با توجه به آنکه آمریکا می‌دانست که از سیاست‌های دیرینه‌ی اشغالگران فلسطین این است که رخصت ندهند کشورهای اسلامی از نظر اقتصادی روی پای خود ایستاده و به پیشرفت برسند، کارشناسان صهیونیسم را مأمور طرح و اجرای این برنامه کردند (روحانی، ۱۳۸۴: ۱۹۲). بدین ترتیب، اصلاحات ارضی به اینجا منتهی شد که به کلی دهقانی و زراعت از بین رفت و ایران در همه چیز محتاج به خارج شد. یعنی، محمدرضا پهلوی این کار را کرد تا بازاری برای آمریکا و دست‌نشانده‌ی آمریکا - رژیم اشغالگر قدس - درست کند (امام خمینی (رحمه الله علیه)، صحیفه امام، ۱۴/۶).

علاوه بر آن، نقش ایران به‌عنوان تامین‌کننده نفت رژیم صهیونیستی نیز از دیگر زمینه‌های همکاری به حساب می‌آید (شهبازی، ۱۳۹۳، ۹۷-۹۸؛ بهجت، ۱۳۹۰، ۱۷۰-۱۷۱). همین حمایت نامحدود و تأمین نیازهای نفتی رژیم صهیونیستی توسط دولت پهلوی بود که همه‌ی علمای ایران با آن مخالفت داشته و یکی از مهمترین علل قیام مردم ایران بر ضد شاه به شمار می‌آید. (فتحی الشقاقی، ۱۴۱۲).

در ابعاد امنیتی نیز، همکاری گسترده‌ای میان سازمان‌های اطلاعاتی دو طرف یعنی ساواک و موساد برقرار بود. کمترین انتقادی از رژیم ظالم و سفاک پهلوی با برخوردهای خشن و خونین رویه‌رو می‌شد و ساواک جهانی شاه که به‌وسیله‌ی سی‌ای آمریکا و صهیونیست‌های ضد بشر سازماندهی و تجهیز شده بود، سخت‌ترین شکنجه‌ها و مخوف‌ترین زندان‌ها را برای سرکوب کسانی که جرئت مقابله با آن رژیم را به خود می‌دادند، آماده داشت (آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۷۷/۱۱/۲۱). البته، زمینه‌ی همکاری میان سازمان‌های اطلاعاتی دو کشور محدود به تجهیز و آموزش نبوده و تا پرورش و ارسال جاسوس به دولت‌های عربی و مسلمان را شامل می‌شد (احمدی، ۱۳۸۱، ۴۳، ۱۵۷). در ابعاد نظامی و تسلیحاتی نیز نوعی همکاری میان دو طرف وجود داشت. بدین ترتیب، رژیم شاهنشاهی که خود را ژاندارم منطقه می‌دانست، در دستیابی به قدرت نظامی بی‌تابی می‌کرد و از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی با اطمینانی که از محمدرضا داشت، در تجهیز نظامی آن می‌کوشید (احمدی، ۱۳۸۱، ۶۰). به هر حال، روابط میان رژیم صهیونیستی و رژیم پهلوی با سرنگونی نظام وابسته و فاسد پادشاهی پهلوی، از بین رفت.

روابط آنکارا و تل‌آویو نیز از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی توسعه و گسترش قابل توجهی یافت. یکی از مهم‌ترین دلایل این روابط، برخورداری رژیم صهیونیستی و ترکیه از نظام‌های مبتنی بر ارزش‌های غربی و قرار گرفتن آنها در سیستم سیاسی، فرهنگی و امنیتی غرب بود (عباسی، ۱۳۸۴: ۶۴۵).

در کنار ترکیه، برقراری ارتباط با گردها -به‌ویژه اقلیم کردستان عراق- یکی از گزینه‌های مطرح در دکترین اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی می‌باشد. از نظر صهیونیست‌ها، کشور مستقلی به‌نام کردستان می‌تواند ایشان را از امنیت بالاتری برخوردار نماید. بخش دیگر اهمیت گردها ناشی از ملاحظات استراتژیکی و امنیتی رژیم صهیونیستی است. سران این رژیم معتقد بوده و هستند که از طریق برقراری ارتباط با گردها، رژیم از چشم و گوش در عراق، سوریه و ایران برخوردار خواهند شد. بر اساس چنین چشم‌اندازی هم بود که رژیم صهیونیستی از همه‌پرسی استقلال گردهای عراقی و نتیجه‌ی آن حمایت نمودند (رجبی، ۱۳۹۸: ۴۵-۴۸).

استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی گردهای اقلیم نظیر خرید نفت را نیز می‌توان به‌عنوان اهداف اقتصادی و تجاری این رژیم در رابطه با اقلیم کردستان عراق برشمرد؛ تا سال ۲۰۱۷ میلادی، صادرات نفت از اقلیم کردستان عراق به رژیم صهیونیستی به ۳۰۰ هزار بشکه رسیده بود (Atkins, 2017). هر چند که در این سال، بازپس‌گیری میدان‌های نفتی کلیدی اطراف کرکوک توسط دولت مرکزی عراق باعث شد تا تولید نفت کردستان عراق و به تبع آن، صادرات به رژیم صهیونیستی به نصف کاهش یابد (Atkins, 2018). البته، باید توجه داشت که فروش نفت از سوی اقلیم کردستان عراق به رژیم صهیونیستی از دید دولت مرکزی این کشور غیرقانونی می‌باشد؛ از همین رو، اقلیم فروش نفت به این رژیم را به صورت مخفیانه انجام می‌دهد. آنان این کار را از طریق خاموش نمودن «سیستم تشخیص خودکار» کشتی نفت‌کش انجام می‌دهند؛ به‌عنوان مثال، در ژانویه ۲۰۱۸ میلادی، کشتی نفت‌کشی به‌نام «مبروک» از پایانه نفتی اقلیم واقع در «بندر جیحان» با پرچم مالت آغاز به حرکت نمود (Twitter, 2018). با خاموش شدن سیستم تشخیص خودکار، اثری از این کشتی در ترافیک دریایی نبود اما اندکی بعد، سیستم تشخیص خودکار نفت‌کش دیگری به‌نام «مارو» در پایانه نفتی بندر «اشکلون» رژیم صهیونیستی روشن شد که شماره ثبت، ابعاد و مسیر آن مشابه با نفت‌کش مبروک بود (Atkins, 2018).

راهبرد عادی‌سازی روابط در چارچوب طرح «معامله‌ی قرن» نیز دنبال شده است. این طرح که به صورت جدی از ۲۰۱۷ میلادی و زیر نظر «جرالد کوشنر» -داماد یهودیِ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور

سابق آمریکا- آغاز شد، در سال ۲۰۱۹ میلادی توسط ترامپ رونمایی و به مورد اجراء گذاشته شد. براساس این طرح، ایالات متحده که به رژیم صهیونیستی به‌مثابه‌ی دولتی کارگزار در مقابله با جریان مقاومت اسلامی در منطقه‌ی غرب آسیا می‌نگریست، کوشید تا از طریق اتخاذ راهبرد «دو دولت» عمده‌ی مشکلات فراروی رژیم صهیونیستی را حل‌وفصل نماید (برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک: رجبی، ۱۴۰۰ ب).

در این چارچوب، با میانجی‌گری ایالات متحده آمریکا، «توافقنامه ابراهیم»^۱ میان رژیم صهیونیستی با برخی کشورهای عربی به امضاء رسید. در واقع، توافقنامه ابراهیم اشاره به توافقنامه‌های صلحی دارد که میان رژیم صهیونیستی با کشورهای امارات متحده عربی، بحرین، مراکش و سودان به امضاء رسید. براین‌اساس، توافقنامه صلح میان رژیم صهیونیستی با امارات متحده عربی و بحرین در ۱۵ سپتامبر سال ۲۰۲۰ میلادی در کاخ سفید به امضاء رسید. اهمیت این توافقنامه‌ها از آن رو بود که اگرچه دو کشور امارات و بحرین هرگز با رژیم صهیونیستی در جنگ نبوده‌اند ولیکن بعد از امضای توافق صلح میان رژیم صهیونیستی با مصر در سال ۱۹۷۸ میلادی و اردن در سال ۱۹۹۴ میلادی، این نخستین‌بار بود که کشوری عربی با صهیونیست‌ها روابط عادی برقرار می‌نمود. علاوه بر کشورهای امارات و بحرین، پادشاهی مراکش نیز در ۱۰ دسامبر ۲۰۲۰ میلادی به این توافقنامه ملحق شد. آمریکا، در قبال شناسایی رژیم صهیونیستی از سوی مراکش، حاکمیت این کشور بر صحرای غربی که تحت نفوذ جبهه‌ی آزادیبخش خلق پولیساریو - مورد حمایت الجزایر - را به رسمیت شناخت (Mezran and Pavia, 2021). سودان، چهارمین کشور عربی بود که در ۲۳ اکتبر ۲۰۲۰ میلادی به توافق ابراهیم پیوست و برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی توافق نمود. ظاهراً، برای پیوستن سودان به این توافقنامه مشوق‌هایی در نظر گرفته شده بود که از آن جمله می‌توان به (۱) خروج نام این کشور از فهرست کشورهای حامی تروریسم؛ (۲) لغو تحریم‌های اقتصادی؛ و (۳) بخشش بدهی‌ها؛ اشاره نمود (Suliman and Gubash, 2020).

اگرچه پیمان ابراهیم زمینه را برای نزدیکی برخی از کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی و غرب نزدیک کرد، ولیکن بدون شک موجب شکاف میان این کشورها با برخی کشورهای همسایه خود شد که احتمالاً پیامدهای پایداری بر روابط اقتصادی، امنیتی، اجتماعی و سیاسی آنان خواهد داشت؛ به‌عنوان مثال، الجزایر در واکنش به عادی‌سازی روابط میان مراکش و رژیم صهیونیستی، این توافق را به‌عنوان اقدامی به‌منظور نزدیک‌تر ساختن رژیم صهیونیستی به مرزهای الجزایر محکوم نمود.

^۱. Avraham Agreements

همچنین، این کشور همسوی خود با چین و روسیه را تقویت نمود. الجزایر از این طریق در تلاش است تا با آنچه توطئه‌ای به رهبری غرب بر صحرای غربی از طریق توافقنامه ابراهیم است، مقابله نماید (Mezran and Pavia, 2021).

علاوه بر این، عادی‌سازی روابط میان برخی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی که با میانجی‌گری آمریکا در چارچوب طرح «معامله‌ی قرن» انجام گرفت، مورد مخالفت مقامات فلسطینی قرار گرفت؛ به‌عنوان مثال، «محمود عباس» -رییس تشکیلات خودگردان فلسطین- در بیانیه‌ای اقدام سودان در عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را محکوم نموده و آن را مردود خواند. در این بیانیه آمده بود که هیچ‌کس حق ندارد به‌نام ملت فلسطین و به‌نام آرمان فلسطین صحبت کند. «فوزی برهوم» -سخنگوی حماس- نیز در گفتگو با رویترز گفت که سودان گامی در جهت اشتباه برداشته است (Suliman and Gubash, 2020). شایان ذکر است که نگاهی به مفاد طرح معامله‌ی قرن حکایت از «پذیرش یک‌طرفه‌ی خواست صهیونیست‌ها -به‌ویژه در خلع سلاح گروه‌های مقاومت- بدون مشارکت دادن مردمان سرزمین فلسطین و جایگزین نمودن برخی سران کشورهای عربی به‌جای ایشان در تدوین آن دارد. این امر سبب شده است تا این طرح زمینه را برای اجماع میان گروه‌های مختلف فلسطینی در مخالفت با آن فراهم نماید» (رجبی، ۱۴۰۰، ب: ۴۵).

در پایان، توجه به این نکته نیز از اهمیت برخوردار است که اگرچه کشورهای فوق‌الذکر تا پیش از امضای توافقنامه ابراهیم، رژیم صهیونیستی را به رسمیت نشناخته بودند ولیکن عموماً، روابط غیررسمی خود را با این رژیم حفظ کرده بودند؛ به‌عنوان مثال، مراکش برخلاف بسیاری از کشورهای عربی دیگر به صهیونیست‌ها اجازه می‌داد تا از این کشور بازدید نمایند. به‌گونه‌ای که تنها در سال ۲۰۲۰ میلادی حدود هفتاد هزار نفر صهیونیست از مراکش دیدن کرده بودند (Mezran and Pavia, 2021).

۲-۳) راهبرد تهاجم همه‌جانبه

با استقرار رژیم جعلی صهیونیستی در قلب جهان اسلام -اراضی فلسطین اشغالی- درگیری میان کشورهای اسلامی (عمدتاً عرب) با رژیم صهیونیستی به وقوع پیوست اما با ناکامی اعراب در جنگ‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ میلادی، راهبرد مقاومت و ایستادگی در مقابل دشمن صهیونیستی کم‌رنگ گشته و با میانجی‌گری ایالات متحده آمریکا گفتگوهای سیاسی میان این دولت‌ها و رژیم صهیونیستی شروع شد که در برخی موارد منجر به انعقاد تفاهم‌نامه‌های سازش شد.

بدین ترتیب، خط‌سازش میان برخی دولتمردان عرب با رژیم صهیونیستی دنبال شد که آغاز آن با ارائه‌ی طرح موسوم به صلح مادرید به سال ۱۹۹۱ میلادی شروع شد که در یازده دوره به صورت چندجانبه و دوجانبه ادامه یافت تا آنکه در سال ۱۹۹۳ میلادی موفق شد با توسل به سیاست فریب و نیرنگ، یاسر عرفات را ضمن عدول از مواضع خود - مبنی بر آزادی کلیه اراضی اشغالی فلسطین - وادار به امضای توافق ذلت‌بار «اسلو» نماید (رکن‌آبادی، ۷۵-۷۷). سازش عرفات با رژیم صهیونیستی پیامدهای خسارت‌باری را برای آرمان فلسطین در پی داشت که از جمله آنها برقراری رابطه کشورهای هم‌چون هند با رژیم اشغالگر قدس بود؛ بدین معنا، هند که از دیرباز با توجه به خواسته‌های اقلیت بانفوذ مسلمان این کشور از حامیان اعراب و ناقد صریح سیاست‌ها و رفتارهای صهیونیست‌ها بود و از برقراری رابطه با رژیم جعلی صهیونیست‌ها اکراه داشت، پس از شروع روند سازش و تمایل ساف - سازمان آزادیبخش فلسطین - به مذاکره، رابطه با رژیم اشغالگر قدس را دنبال نمود (رکابی، ۱۳۹۰: ۷۳). از دیگر نتایج خسارت‌بار این سازش، چرخش در مواضع کشورهای عربی همچون مصر بود. بدین ترتیب، سادات که روزی از انفجار میدان‌های نفتی منطقه در صورت مداخله‌ی نظامی آمریکا سخن می‌گفت (مجله‌ی جهاد، ۱۳۶۰/۰۹/۱۵: ۲۳) در مذاکرات کمپ دیوید به روند خائنانه سازش پیوست و قراردادی ننگین را با میانجی‌گری جیمی کارتر - رییس جمهوری پیشین آمریکا - با مناخیم بگین - نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی - در ماه مارس ۱۹۷۹ میلادی مبنی بر خروج مصر از میدان‌های درگیری عربی - رژیم صهیونیستی به امضا رساند (مهری، ۱۳۷۹، ۴۴). آخرین اقدام در این زمینه برگزاری اجلاس منامه و توطئه‌ی موسوم به «معامله قرن» در تیرماه ۱۳۹۸ شمسی است که با هدف فروش فلسطین و حذف آن از قلمرو بحث و مذاکره و نابودی کامل آن برای همیشه بود (پیشوایی، ۱۳۹۸: ۵).

در نقطه‌ی مقابل خط‌سازش، با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، آزادی کامل سرزمین فلسطین و محور رژیم اشغالگر صهیونیستی به‌عنوان راهبرد عینی برای حل مسئله‌ی فلسطین در معرض انتخاب کشورها و ملت‌های اسلامی گذاشته شد و بدین ترتیب، نه‌تنها در درون سرزمین فلسطین گروه‌های جهادی نظیر حماس و جهاد اسلامی شکل گرفتند، بلکه بارقه‌های آمیدی نیز برای مردم فلسطین پدیدار گشت که شکل‌گیری انتفاضه‌های مردمی در این کشور موسوم به «انتفاضه سنگ» در این چارچوب قابل تحلیل است. در عرصه‌ی منطقه‌ای نیز گروه‌های مقاومت با الهام از انقلاب اسلامی شکل گرفتند که از جمله آنها می‌توان به حزب‌الله لبنان اشاره کرد که با پیوستن برخی

دولت‌های منطقه نظیر سوریه به آن، در مجموع «محور مقاومت» را شکل دادند.

راهبرد رژیم صهیونیستی در مواجهه‌ی با جریان مقاومت، تهاجمی بود. بدین معنا، این رژیم همواره با پشتیبانی آمریکا جنگ‌هایی را علیه این جریان برافروخته است. در ابتدا، تلاش شد تا با هم‌پیمانان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران وارد نبرد شده و آنان را متحمل شکست نمایند. شروع جنگ سی‌وسه‌روزه‌ی رژیم صهیونیستی علیه حزب‌الله لبنان در سال ۲۰۰۶ میلادی در این چارچوب قابل تحلیل است. متناهی، نتایج این جنگ برای صهیونیست‌ها که پیروز سستی نبرد با ارتش‌های کلاسیک دولت‌های عربی بودند آنان را در بُهت فرو بُرد. این جنگ، امنیت ملی صهیونیست‌ها را در معرض تهدیدی تمام عیار از سوی مثلث ایران، سوریه و حزب‌الله قرار داد. براین‌اساس، با پایان یافتن این جنگ، کمیسیون «وینوگرا»^۱ با هدف بررسی دلایل عدم موفقیت ارتش رژیم صهیونیستی تشکیل جلسه داد. گزارش کمیسیون مذکور به صورت تلویحی - واحد اطلاعات نظامی ارتش رژیم صهیونیستی را مقصر تشخیص داد؛ چرا که توانایی‌های لازم را در شناسایی و خنثی‌سازی تهدید قبل از اقدام عملیاتی نداشت (Winograd Committee submits final report, 2008). بدین معنا، از آنجا که واحد اطلاعات نظامی ارتش قادر به مشخص نمودن اهداف برای نیروی هوایی نبود، این نیرو مبادرت به بمباران کور مناطق مسکونی نموده که از یک سو، واکنش جامعه جهانی را به همراه داشت و از سوی دیگر، زمینه را برای متوقف شدن شلیک موشک‌های حزب‌الله به سرزمین‌های اشغالی اراضی فراهم نیورد (Creveld, 30 January 2008). بدین ترتیب، ارتش رژیم صهیونیستی بدین نتیجه رهنمون گردید که می‌بایست دسترسی حزب‌الله به سلاح و منابع مالی را قطع نماید؛ از همین رو، تصمیم گرفت تا ضمن بالا بردن اشراف اطلاعاتی خویش، راه ورودی این سلاح‌ها را که عمدتاً از سوریه بود، سد نماید (Israel Ministry of Foreign Affairs, 2008).

رژیم صهیونیستی برای خلع سلاح محور مقاومت، بهترین راه را تجدید مذاکرات با سوریه و توافق نهایی با این کشور از طریق میانجی‌گری ترکیه تشخیص داد (رایینویچ، ۱۳۹۵: ۷۹). ولی این مذاکرات پس از گذشت مدتی از شروع آن، به دلیل آغاز حمله‌ی نظامی رژیم صهیونیستی به غزه، یک‌طرفه توسط دمشق قطع شد (احمدیان و بهرامی، ۱۳۹۴: ۲۱۷). در این سال‌ها، رژیم صهیونیستی همواره با بهانه‌ی هدف قرار دادن تسلیحات ارسالی ج.ا.ایران برای حزب‌الله لبنان، حریم هوایی سوریه را نقض کرده و به بمباران خاک این کشور مبادرت ورزیده است (Nagel & Schanzer,

^۱. Winograd.

290: 2019). علاوه بر آن، اقدام به عملیات‌های تروریستی ترور فرماندهان نظامی و دانشمندان ارشد جبهه‌ی مقاومت نظیر شهید «عماد مغنیه» نمود (Entous & Osnos, 10 February 2020). برای صهیونیست‌ها برکنار شدن «بشار اسد» رئیس‌جمهوری حاضر سوریه - از قدرت به دلیل پیوندهایی که با محور مقاومت داشت از اهمیت به‌سزایی برخوردار بود تا آنجا که «مایکل اوون» -سفير سابق رژیم صهیونیستی در آمریکا- بیان می‌دارد «ما همیشه افراد بد غیر وابسته به ایران را به افراد بد وابسته به ایران ترجیح داده‌ایم» (Williams, 17 September 2013).

با شروع بیداری اسلامی، موج جدیدی در جهان اسلام پدید آمد که از پیامدهای آن، سقوط برخی از دیکتاتورها در منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا بود. در سال ۲۰۱۱ میلادی، کشور سوریه نیز که با مشکلات مختلفی مواجهه بود، دستخوش تحولاتی گردید که ابتدا فرض می‌شد بیداری اسلامی است اما مدتی نگذشت که روشن شد که این تحولات، بیداری اسلامی نبوده بلکه دسیسه‌ای است که توسط کشورهای مخالف محور مقاومت سامان یافته است (Eran, 2011).

تحلیل اولیه صهیونیست‌ها از این تحولات این بود که با توجه به آنکه ممکن است در نتیجه‌ی این تحولات، زمینه برای تبدیل کشورها به حکومت اسلامی -نظیر حکومت ایران بعد از انقلاب اسلامی- فراهم آید (Ghosh, 2011) از این رو، اسلامی نبودن دولت -ولو آنکه سنی باشد-، نداشتن مدعا درباره‌ی بلندی‌های جولان، و عدم حضور ایران در سوریه از جمله شرایطی بود که به اعتقاد صهیونیست‌ها می‌توانست منافع این رژیم را درباره‌ی سوریه تأمین نماید (Zanotti, 09 March 2020).

با حضور جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نخستین حامی مردم سوریه در تحولات این کشور، این تحولات رنگ و بویی دیگر برای صهیونیست‌ها یافت؛ بدین معنا، سوریه در حال تبدیل شدن به بزرگ‌ترین پایگاه نظامی ایران بود که این کشور را از آزادی عمل بیشتری برای انتقال تسلیحات به حزب‌الله لبنان برخوردار می‌ساخت و با هم‌مرز ساختن انقلاب اسلامی با صهیونیست‌ها، ایران را از جایگاه تهدیدی دور به تهدیدی نزدیک تبدیل می‌نمود (Bassiri Tabriz & Pantucci, August 2016) و کابوس صهیونیست‌ها در استقرار جریان مقاومت در بلندی‌های جولان را روزبه‌روز به واقعیت نزدیک‌تر می‌ساخت. سیاست رژیم صهیونیستی در بلندی‌های جولان -که از آن با عنوان خط قرمز خود یاد می‌کرد- علاوه بر ترور فرماندهان مقاومت (نظیر سمیر قنطار در سال ۲۰۱۵ میلادی)، ارسال کمک‌های تسلیحاتی، مالی و بهداشتی به گروه‌های همسو با خود و بمباران

مواضع جریان مقاومت بود. همچنین، رژیم صهیونیستی تلاش سیاسی گسترده‌ای را نیز به مورد اجراء گذاشت تا براساس آن، دولت‌های دیگر بلندی‌های مذکور را به‌عنوان بخشی از این رژیم به رسمیت شناسند. تلاشی که در نهایت به سال ۲۰۱۹ میلادی به ثمر نشست و آمریکا -به‌عنوان نخستین کشور- بلندی‌های جولان را به‌عنوان خاک رژیم صهیونیستی به رسمیت شناخت (Tsurkov, 14 February 2019).

ورود ارتش روسیه به تحولات سوریه که با تلاش‌های فرمانده ضدتروریستی جمهوری اسلامی ایران -شهید سپهد حاج قاسم سلیمانی- میسر گردید، مشکلات امنیتی جدیدی را به معضلات گذشته رژیم صهیونیستی افزود. در همین رابطه، این رژیم تلاش گسترده‌ای را برای مذاکره با روسیه به میدان آورد تا از یک سو، روس‌ها را قانع نمایند که از پدافند هوایی خویش برای هدف قرار دادن هواپیماهای صهیونیستی که به خاک سوریه وارد می‌شوند، پرهیز نموده و در مقابل، صهیونیست‌ها نیز نیروهای روسی را هدف خود قرار ندهند (Kubovich, 25 September 2018)؛ و از سوی دیگر، حضور طولانی‌مدت نظامی ایران را در سوریه و ارسال سلاح توسط این کشور به حزب‌الله را محدود نماید که با مخالفت روسیه مواجه شد (Spyer, 28 September 2017).

رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۱۵ و در راهبرد جدید خود که با عنوان «گیدئون»^۱ شناخته می‌شود، درصدد برآمد تا راهبردی را برگزیند که تطابق بیشتری با تحولات غرب آسیا داشته باشد. براین اساس، ضمن شناسایی جایگزین شدن کشورهای متخاصم همسایه با گروه‌های زیرزمینی -که تحت حمایت ج.ا.ایران و سوریه هستند- و نیز افزایش توان نظامی و عملیاتی این گروه‌ها درصدد برآمد تا آمادگی نیروهای رزمی خویش را برای حضور در جنگ‌های نامتقارن افزایش دهد. همچنین، سیستم پدافند هوایی خویش را به صورت چند لایه و ترکیبی تقویت نماید. علاوه بر اینها، اشرافیت اطلاعاتی خود را ارتقاء بخشد (Herzog, 2015).

با ناتوانی رژیم صهیونیستی در اجرایی نمودن اهداف مورد نظر در این راهبرد، در سال ۲۰۱۹ میلادی رژیم صهیونیستی راهبردی جدید را جایگزین «گیدئون» نمود که از آن با عنوان «مومتوم»^۲ (عبری: «تِنُفا»^۳) یاد می‌شود که به تصویب «نفتالی بنت» -وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی و نخست‌وزیر فعلی آن- رسیده است. مهم‌ترین هدفی که در این راهبرد اتخاذ شده

1. Gideon.

2. Momentum.

3. Tnufa.

است، مهار قدرت فزاینده‌ی جمهوری اسلامی ایران است. در این راهبرد، صهیونیست‌ها بدین نتیجه رهنمون شده‌اند که برای مقابله با جریان مقاومت باید در مواجهه‌ی مستقیم با سر این جریان یعنی، جمهوری اسلامی ایران - قرار گیرند.

در این راهبرد، با تجدیدنظر در مفهوم پیروزی از «تصرف سرزمین» به «از بین بردن حداکثر قابلیت‌های دشمن در کمترین زمان و با کمترین هزینه و تلفات» (Lappin, 22 March 2020: 1-2) بر تغییر ساختار ارتش این رژیم و تأسیس واحد ایران به منظور بررسی فعالیت‌های ج.ا.ایران علیه صهیونیست‌ها و تقویت ارتش این رژیم علیه کشور ایران تأکید شده است (Ahronheim, 13 February 2020). بهبود عملکرد واحد اطلاعات نظامی به مثابه‌ی چشم بینای رژیم صهیونیستی در تشخیص تحرکات نظامی ایران و مراقبت از حملات احتمالی (Gross, 2019) و افزایش کمیت و کیفیت تسلیحات از جمله دیگر مواردی است که در این راهبرد به آنها توجه شده است. شایان ذکر است که از نگاه کارشناسان رژیم صهیونیستی، راهبرد فعلی این رژیم بر جنگ محدود با ایران استوار است (Lappin, 27 December 2019) و اتخاذ تاکتیک «مرگ با هزاران جراحت» توسط صهیونیست‌ها در مواجهه‌ی با جمهوری اسلامی ایران در همین چارچوب قابل تحلیل است. در این راهبرد، به جای ایجاد یک زخم کاری تلاش می‌شود تا هزاران جراحت کوچک ترکیبی (در عرصه‌ها مختلف نظامی، اطلاعاتی، دیپلماتیکی و ...) وارد می‌شود تا در نتیجه‌ی غالب شدن ضعف بر حریف، او را از میدان خارج سازند.

نتیجه‌گیری

از زمان اشغال سرزمین فلسطین توسط صهیونیست‌ها، کشورهای جهان اسلام به‌ویژه کشورهای حوزه‌ی شرقی آن مناسبات پُر فرازوفرودی را رژیم صهیونیستی پشت سر گذاشته‌اند؛ از جنگ‌های اعراب علیه رژیم صهیونیستی در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ میلادی گرفته تا پیوستن برخی از این کشورها به مذاکرات سازش و دست برداشتن ایشان از آرمان آزادی کامل سرزمین فلسطین. اما پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ شمسی نقطه‌ی عطفی در تاریخ مبارزات فلسطین به شمار می‌رود که خط بطلانی را بر گفتگوهای بی‌حاصل سیاسی کشید. این انقلاب ضمن برافروختن خط مقاومت و ایستادگی در مقابل دشمن صهیونیستی در داخل سرزمین‌های اشغالی و منطقه‌ی غرب آسیا، همواره بر حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین از طریق

برگزاری همه‌پرسی ملی تأکید می‌ورزد.

در نقطه‌ی مقابل، صهیونیست‌ها دو راهبرد را در مواجهه با کشورهای جهان اسلام در منطقه‌ی غرب آسیا دنبال نموده‌اند که موضوع مقاله‌ی حاضر قرار گرفت: راهبرد نخست، عادی‌سازی روابط با برخی از این کشورهاست که با راهبرد اتحاد پیرامونی و ارتباط با ایران عصر پهلوی، ترکیه، کُردهای اقلیم عراق و ... آغاز می‌شود و با طرح معامله‌ی قرن و انعقاد توافقنامه ابراهیم میان این رژیم با کشورهای امارات، بحرین، مراکش و سودان با میانجی‌گری آمریکا ادامه می‌یابد؛ و راهبرد دیگر، تهاجم به جریان مقاومت است که نماد آن را می‌توان در جنگ‌های سی‌وسه‌روزه‌ی لبنان، بیست‌ودو روزه و هشت‌روزه‌ی غزه، تلاش برای سرنگون نمودن دولت قانونی سوریه، ترور فرماندهان مقاومت و انهدام مواضع ایشان در سوریه و بالاخره، تلاش برای تضعیف و سقوط نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق اتخاذ تاکتیک‌های گوناگون - که آخرین آن، مرگ با هزاران جراحت است - مشاهده نمود.

کتابنامه

- خمینی (رحمه الله علیه)، سید روح الله. صحیفه‌ی امام. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
 خامنه‌ای (مظله‌العالی)، سیدعلی. پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار به نشانی: <https://farsi.khamenei.ir>
 احمدی، عبدالرحمان (۱۳۸۱). ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
 احمدیان، قدرت؛ بهرامی، زهرا (۱۳۹۴). «عملکرد آمریکا در خلع سلاح شیمیایی سوریه»، مجله سیاست دفاعی، ۲۳(۹۱)، صص ۲۲۷-۱۹۹.
 «اسناد مربوط به وعاظ و خطبای ممنوع المنبر از سال ۱۳۴۶ تا بهمن ۱۳۵۷» (۱۳۸۴). مجله‌ی یاد، شماره ۷۸، زمستان.
 بهجت، جودت (۱۳۹۰). «مسئله‌ی انرژی و منازعه اعراب و اسرائیل»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، شماره ۴۱.
 پیشوایی، مهدی (۱۳۹۸). «معامله‌ی قرن یا خیانت قرن»، ماهنامه‌ی درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۶۹۸.
 «تحلیلی گذرا بر روند صلح آمریکایی و خیانت به آرمان فلسطین» (۱۳۶۰/۰۹/۱۵). مجله‌ی جهاد، شماره ۲۳.
 حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۲). ایران و رژیم صهیونیستی از همکاری تا منازعه، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
 دوست‌محمدی، احمد (۱۳۸۷). بازشناسی صهیونیسم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 دوست‌محمدی، احمد؛ رجبی، محمد (۱۳۹۷). «عربستان سعودی و تهدید امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، ۴(۴۸)، صص ۹۴۵-۹۶۰.
 رابینویچ، ایتمار (۱۳۹۵). «تأثیرات تضعیف سوریه بر امنیت اسرائیل»، ترجمه‌ی منصور براتی، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، ۱۸(۶۳)، صص ۹۴-۷۳.
 رجبی محمد (۱۳۹۸). «جایگاه اقلیم کردستان عراق در سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا در غرب آسیا»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۹ (۲)، صص ۵۲-۲۷.
 رجبی، محمد (۱۴۰۰ الف). «راهبردهای نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی در محور مقاومت (مورد مطالعه: سوریه)»، فصلنامه بیداری اسلامی، ۳(۲۱)، صص ۹۹-۷۵.
 رجبی، محمد (۱۴۰۰ ب). «بررسی مقایسه‌ای طرح‌های ایران و آمریکا در قبال مسئله‌ی فلسطین مورد مطالعه: طرح برگزاری همه‌پرسی ملی در سرزمین فلسطین و طرح معامله‌ی قرن»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره دوم، صص ۴۹-۲۹.
 رحمانی، شمس‌الدین (۱۳۸۱). جنایت جهانی، تهران: انتشارات پیام نور.
 رکابی، محمدجواد (۱۳۹۰). «سیاست خاورمیانه‌ای هند و اسرائیل؛ از تضاد تا همکاری»، فصلنامه مطالعات جهان، شماره ۲.
 رکن‌آبادی، غضنفر (۱۳۷۸). «مروری بر روند سازش در خاورمیانه: از اسلو تا اعلام دولت مستقل فلسطین»، رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۱۲۶.

- روحانی، سیدحمید (۱۳۸۴). «رژیم صهیونیستی و اصلاحات ارضی شاه». فصلنامه‌ی پانزده خرداد، شماره ۳. شقاقی، فتحی (۱۴۱۲ ق). «الامام و القضية الفلسطينية»، التوحید، شماره ۵۹.
- شوکران، ویلیام (۱۳۶۹). آخرین سفر شاه. ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: نشر البرز.
- شهبازی، الهام (۱۳۹۳). «ایران و اسرائیل از همکاری تا منازعه»، خردنامه، شماره ۱۲.
- عباسی اشلقی، مجید (۱۳۸۴). «ترکیه و اسرائیل؛ روابط متحول بیگانگان خاورمیانه‌ای»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۹، صص ۶۴۵-۶۵۶.
- عباسی، مجید؛ سیفبایی، رضا (۱۳۹۱). «اصول سیاست خارجی رژیم اسرائیل: با تأکید بر دو عنصر هویت و مشروعیت»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، ۱۳(۴۶)، صص ۷۸-۳۹.
- علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۷۹). «سوریه-اسرائیل؛ نزاع بر سر صلح»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، ۲(۳)، صص ۱-۲۸.
- فوریسون، روبر (۱۳۸۱). اتاق‌های گاز در جنگ جهانی دوم: واقعیت یا افسانه؟، ترجمه سید ابوالفرید ضیاءالدینی. تهران: موسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه.
- کردی، علی (۱۳۷۶). «شهید مطهری به روایت اسناد»، فصلنامه‌ی پانزده خرداد، شماره ۲۵.
- کفاش، حامد؛ و شفیع سروستانی، فاطمه (۱۳۹۳). دایره‌المعارف مصور تاریخ یهودیت و صهیونیسم، تهران: نشر سایان.
- گارودی، روزبه (۱۳۸۵). تاریخ یک ارتداد: اسطوره‌های بنیانگذار سیاست اسرائیل، ترجمه مجید شریف. تهران: انتشارات رسا.
- گلی‌زواره، غلامرضا (۱۳۹۰). شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان‌نشین جهان، قم: بوستان کتاب.
- گودرزی، طاهره (۱۳۹۰). «راهبردهای امنیتی رژیم صهیونیستی در مواجهه با فلسطینی‌ها»، فصلنامه مطالعات فلسطین، ۱(۱۲)، صص ۷۳-۱۰۰.
- متقی، ابراهیم (۱۳۷۶). «تحلیل رفتار اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۱۸.
- مدنی، سیدجلال (۱۳۸۵). «آیت‌الله کاشانی و مسئله فلسطین»، نشریه شاهد یاران، شماره ۱۶.
- مسعودی‌زاده، مسعود (۱۳۹۳). «تأثیر تحولات سوریه بر روابط سوریه - اسرائیل»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، ۱۵(۵۴)، صص ۲۷-۵۰.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). مجموعه آثار: جلد چهاردهم، تهران: انتشارات صدرا.
- معروف، عبد (۱۳۷۴). دولت فلسطین و شهرک‌های یهودی‌نشین، ترجمه‌ی فرزاد ممدوحی، تهران: انتشارات روزنامه اطلاعات.
- معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین جلد یکم، گردآورنده عزیزالله علیزاده، تهران: پارس نوین.

موسوی، سیدحسین (۱۳۸۸). «مذاکرات سوریه و اسرائیل: مبانی، روند و پیچیدگی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۲(۴۳)، صص ۱۶۲-۱۱۹.

موسوی‌زاده، علیرضا و مهدی جاودانی‌مقدم (۱۳۸۸). «جایگاه استراتژیک کردستان عراق در سیاست خارجی اسرائیل و الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۱، بهار و تابستان.

مومنی، مصطفی (۱۳۸۶). دانشنامه جهان اسلام، جلد یازدهم، تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.

مهری، فرامرز (۱۳۷۹). «پيامدهای احتمالی کمپ دیوید»، مجله پاسدار اسلام، شماره ۲۲۴.

نجفی، محمدجواد؛ و محمدی، جواد (۱۳۹۱). «معناشناسی واژه اسلام در قرآن با تأکید بر بررسی رابطه آن با پلورالیزم دینی»، فصلنامه الهیات تطبیقی، سال سوم، شماره هشتم، صص ۹۷-۱۱۶.

Ahronheim, A. (13 February 2020). "IDF appoints general to lead new Iran Command as threat escalates," The Jerusalem Post, [Online]. Available: <https://www.jpost.com/israel-news/idf-appoints-general-to-head-up-new-iran-command-as-threat-escalates-617507>.

Atkins, Jacob (2017), Israel and Iraqi Kurdistan: the oil connection. Available: <https://www.i24news.tv/en/news/middle-east/157303-171009-israel-and-iraqi-kurdistan-the-oil-connection>

Atkins, Jacob (2018), Maritime skullduggery: how Kurdish oil shipments to Israel are 'disguised'. Available: <https://www.i24news.tv/en/news/israel/167894-180217-maritime-skullduggery-how-kurdish-oil-shipments-to-israel-are-disguised>

Bassiri Tabriz, A and Pantucci, R. (August 2016). "Understanding Iran's Role in the Syrian Conflict," Royal United Services Institute for Defence and Security Studies.

Crevel, M. V. (30 January 2008). "Israel's War With Hezbollah Was Not a Failure", The Forward Association.

Entous, Adam; Osnos, Evan. (10 February 2020). "Qassem Suleimani and How Nations Decide to Kill", New Yorker Magazine, [Online]. Available: <https://www.newyorker.com/magazine/2020/02/10/qassem-suleimani-and-how-nations-decide-to-kill>

Eran, O. (2011). "The West Responds to the Arab Spring", Institute for National Security Studies, vol. 14, no. 02.

Ghosh, P. (09 June 2011). "Middle East on Brink of Full-Scale War: Israeli General", International Business Times, [Online]. Available: <https://www.ibtimes.com/middle-east-brink-full-scale-war-israeli-general-309846>.

Gross, J. A. (2019). "IDF unveils 'Momentum Plan' to make it deadlier and faster, if it can pay for it", The Times of Israel.

Hankivsky, Olena; Jordan-Zachery, Julia S. (2019). The Palgrave Handbook of Intersectionality in Public Policy, U.S.A: Springer.

Herzog, M. (2015). "New IDF Strategy Goes Public", The Washington Institute for Near East Policy.

Kubovich, Y. (25 September 2018). "Russia Warned Israel Before Downing of Plane: Attacking Syrian Targets Harms Moscow's Interests", Haaretz Newspaper, [Online]. Available: <https://www.haaretz.com/middle-east-news/syria/premium->

russia-warned-israel-before-downing-of-plane-attacking-syrian-targets-harms-moscow-s-interests-1.6494420.

- Lappin, Yaakov. (22 March 2020). "The IDF's Momentum Plan Aims to Create a New Type of War Machine", BESA Center Perspectives, Paper No. 1,497.
- Lappin, Yaakov. (27 December 2019). "Israeli chief of staff's speech underlines sobering fact that it's fighting Iran alone", Jewish News Syndicate, [Online]. Available: <https://www.jns.org/israeli-chief-of-staffs-speech-underlines-the-sobering-fact-that-its-fighting-iran-alone/>
- "IDF response to the Winograd Committee Report". (2008). Israel Ministry of Foreign Affairs, Jerusalem.
- Mezran, Karim and Alissa Pavia. (October 7, 2021). Morocco and Israel are friendlier than ever thanks to the Abraham Accords. But what does this mean for the rest of North Africa?. Atlantic Council. Available: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/morocco-and-israel-are-friendlier-than-ever-thanks-to-the-abraham-accords-but-what-does-this-mean-for-the-rest-of-north-africa/>
- Nagel J and Schanzer, J. (2019). "From Ben-Gurion to Netanyahu: The Evolution of Israel's National Security Strategy", Foundation for Defense of Democracies, Washington.
- Shoup, Kate. (2019). The Israel-Palestine Border Conflict, U.S.A: Cavendish Square Publishing.
- Sidlow, Edward I; Henschen, Beth. (2018). GOVT: Principles of American Government, U.S.A: Cengage Learning.
- Spyer, J. (28 September 2017). "Israel Is Going to War in Syria to Fight Iran", Foreign Policy, [Online]. Available: <https://foreignpolicy.com/2017/09/28/israel-is-going-to-war-in-syria-to-fight-iran/>.
- Suliman, Adela & Charlene Gubash. (October 23, 2020). "Sudan formally recognizes Israel in U.S. -brokered deal". NBC News. Available: <https://www.nbcnews.com/news/world/sudan-formally-recognizes-israel-u-s-brokered-deal-n1240839>.
- Tsurkov, Elizabeth. (14 February 2019). Israel's Deepening Involvement with Syria's Rebels, [Online]. Available: <https://warontherocks.com/2018/02/israels-deepening-involvement-syrias-rebels/>.
- Twitter (2018), Mabrouk left this morning and we thought we'd know destination and number of barrels, but noooooooo, Available at: <https://twitter.com/tankertrackers/status/957278858176278533>
- Williams, Dan. (17 September 2013). Now Israel Says It Wants to Whack Syria's Assad, [Online]. Available: <http://www.businessinsider.com/israel-wants-to-topple-assad-regime-2013-9>.
- "Winograd Committee submits final report". (2008). Israel Ministry of Foreign Affairs, Jerusalem.
- Zanotti, J. (09 March 2020). "Israel: Background and U.S. Relations in Brief," Congressional Research Service.